

از گوشه و کنار

شهر داری نورپردازی شبانه درختان را قطع کند



رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر تهران گفت: نورپردازی شبانه درختان به آن‌ها آسیب می‌رساند از این رو شهر داری باید از انجام این کار صرف نظر کند.

زهره صدراعظم نوری درباره آسیب‌های نورپردازی کردن درختان برخی خیابان‌ها از جمله ولیعصر (عج)، اظهار کرد: درخت یک موجود زنده است و در طول روز اکسیژن تولید و دی‌اکسید کربن جذب می‌کند؛ وقتی شرایط را به‌صورت مصنوعی تغییر می‌دهیم و شرایط شب را تبدیل به روز می‌کنیم، اکوسیستم تغییر می‌کند و در رشد و سرسبزی درختان اثر می‌گذارد.

وی ادامه داد: بنابراین درست نیست زیر درختان شب تابصیح چراغ‌های رنگی روشن باشد، اگرچه این امر زیبایی ایجاد می‌کند اما آثار تخریبی زیادی دارد ضمن این‌که در خیابان ولیعصر که ثبت تاریخی شده، درختان ارزش بیشتری دارد و باید به‌هر صورت ممکن این درختان حفظ شوند.

رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر تهران تصریح کرد: برای قطع این نورپردازی‌ها به شهر داری تذکر خواهیم داد؛ این نهاد باید فکر دیگری برای زیباسازی محیط شهری کند.



۵۰۰ محله آسیب خیز شناسنامه دار شدند

رئیس گروه پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور از اجرای فاز دوم طرح «پازک» در ۵۰۰ محله شهری و روستایی به منظور پیشگیری از اعتیاد زنان و کودکان خبر داد.

ماریت قازاریان با بیان این‌که طرح «پازک» اقدام ویژه‌ای است که به‌موضوع «پیشگیری از اعتیاد در زنان و کودکان»، می‌پردازد، افزود: این طرح شامل فعالیت‌های پیشگیری از اعتیاد در ۵۰۰ محله شهری و روستایی است. وی با بیان این‌که این طرح در فاز اول در ۱۲ استان اجرا می‌شود، اظهار کرد: دو گروه زنان و کودکان به این دلیل انتخاب شده‌اند که گروه‌های آسیب پذیر جامعه هستند و نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرند. رئیس گروه پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور با اشاره به این‌که از این ۵۰۰ محله در ابتدا یک شناسنامه کامل محلی تهیه شده است، تصریح کرد: در واقع یک دارایی سنجی کامل و جامع از ۵۰۰ محله‌ای که توسط خود استان‌ها انتخاب شده، تهیه شده است. هم‌چنین محلات مذکور نقاط خیلی آلوده نیستند، چرا که قرار است کارهای پیشگیری در سطح اولیه در آن‌ها انجام شود و اگر لازم بود وارد سطح دوم و سوم شویم. بنابراین محله‌هایی در استان‌ها انتخاب شدند که امکان فعالیت سطح اول پیشگیری در آن‌ها وجود داشته باشد.



رئیس اورژانس تهران: زمان رسیدن اورژانس ۱۶ دقیقه است



رئیس اورژانس تهران اعلام کرد: در حال حاضر زمان رسیدن اورژانس بر بالین بیمار تقریباً استاندارد و حدود ۱۶ دقیقه است.

دکتر پیمان صابریان با اشاره به این‌که اورژانس تنها رگانی در کشور است که از ابتدا تا انتهای فعالیت امداد رسانی خود را به‌صورت رایگان انجام می‌دهد، گفت: ما در سطح کشور و سطح شهر تهران کمبودهایی داریم، اما پرسنل اورژانس با وجود تمام این کمبودها تلاش می‌کنند تا استانداردهای لازم را فراهم کنند.

وی گفت: از تجهیزات مورد استفاده ما کدهای ۲۴۷ و ۷۲۴ است که در حال حاضر روزانه حدود ۱۰ بیمار این خدمات را دریافت می‌کنند و جان‌شان نجات داده می‌شود.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی پیشنهاد کرده است از خود دانش آموزان در مورد ادامه روند کنکور سوال شود. نکته داشتن یا حذف کنکور باید در بین دانش آموزان رفراندوم برگزار شود

آزمون و اصلاح و جبران نمرات پایین فراهم شود. در چنین شرایطی تراکم دانش آموزان با معدل بالا و ۲۰ به چندین برابر یک سال خواهد رسید. مسئله دیگر آن است که هر چند در ظاهر به نظر می‌رسد حذف کنکور اضطراب امتحان برای ورود به دانشگاه را در دانش آموزان و اولیای آنان از بین می‌برد، اما در واقع چنین نیست و اضطراب امتحان در تمامی سال‌های تحصیلی موثر در کنکور توزیع شده و والدین و دانش آموزان برای امتحانات دروسی که به‌عنوان سوابق آموزشی و موثر در قبولی دانشگاه است اضطراب امتحان را تجربه خواهند کرد.

مسئله مهم دیگر تجمع داوطلبان در یک گروه آزمایشی مثل گروه علوم تجربی است که طی ۲ و ۴ سال اخیر مشکلاتی به‌وجود آورده است. ۶۳ درصد شرکت‌کنندگان از گروه علوم تجربی هستند، که نشان می‌دهد هدایت تحصیلی به‌صورت علمی و تخصصی در آموزش و پرورش شکل نگرفته است.

حذف کنکور و سال ۹۸

سرنوشت کنکور به یکی از دغدغه‌های دانش آموزان تبدیل شده است، چون نظام آموزشی به‌نظام ۳-۶ تغییر یافته، می‌توان گفت مهم‌ترین گام برای حذف کنکور برداشته شده است. وزیر آموزش و پرورش در این مورد می‌گوید: «در ارتباط با کنکور ۹۸ فعلاً فقط می‌توان گفت در این سال کنکور خواهیم داشت. هر چند به دلیل تغییر نظام آموزشی به ۳-۶ و حذف پیش‌دانشگاهی، سوال‌ها از مقاطع سال دهم، یازدهم و دوازدهم برای کنکور طرح خواهد شد. اما بنابر مصوبات جدید سازمان سنجش کشور، پذیرش ۸۵ درصد از رشته‌های دانشگاه سراسری به‌صورت بدون کنکور و براساس سوابق تحصیلی انجام خواهد گرفت. داوطلبان می‌توانند بدون حضور در جلسه کنکور، انتخاب رشته کرده و بعد از اعلام نتایج در صورت پذیرش وارد دانشگاه شوند. ثبت‌نام بدون کنکور دانشگاه سراسری به این صورت است که داوطلبان باید بعد از اعلام فراخوان، مدارک مورد نیاز را به دانشگاه و یا موسسات مورد نیاز ارسال کنند تا بعد از بررسی‌های لازم توسط شورای آموزش عالی، نتایج منتشر شود.

و دانشگاه را به لقایش می‌بخشند و یا خانه‌نشین می‌شوند و یا راهی خدمت مقدس سربازی تا این‌جا می‌توانیم با بی‌محتوایی کنکور کنار بیاییم و بگوییم کسانی که در کنکور موفق نبوده‌اند می‌توانند با این‌اندوخته علمی که حاصل تلاش بی‌وقفه سالیان تحصیل بوده، راه دیگری برای خود برگزیده و برای خود موفقیتی کسب کنند، اما زهی خیال باطل. کنکور مانند ماری روی کل سیستم آموزشی کشور چنبره زده و بر آن سایه انداخته است. کنکور نه تنها در حساس‌ترین برهه زندگی جوانان ایرانی مانند دیوار بزرگی سد راه آینده آن‌ها می‌شود، بلکه با تحمیل فشار زیادی از بالا به پایین، کل سیستم آموزشی را تحت‌تأثیر خود قرار داده و باعث ایجاد سیستم آموزشی ناکارآمد شده است که شاید بتوان ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را از دل آن بیرون کشید و شب‌بهاات اساسی آموزش کشور را پاسخ گفت.» ذوعلم این پرسش بزرگ را مطرح می‌کند که: «چرا نمایندگان سوال نکرده‌اند علت عدم اجرای قانون مصوب سال ۸۶ چه بوده؟ چرا نظارت انجام نشده؟ ما می‌توانیم پذیرش دانشگاه‌ها را با حفظ گروه بندی‌های استعدادی و جغرافیایی سامان دهیم، از نمایندگان و رئیس مجلس می‌خواهم وارد این مسئله نشوند. البته معتقدم اگر این موضوع کلاً به شورای عالی انقلاب فرهنگی منتقل شود بهتر است تا بنشینیم و راه‌حلی پیدا کنیم.»

با توجه به چنین موانع و شرایطی است که این روزها رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای حل این معضل پیشنهاد کرده از خود دانش آموزان در مورد ادامه روند کنکور سوال شود. ذوعلم معتقد است برای نگه داشتن یا حذف کنکور باید در بین دانش آموزان رفراندوم برگزار شود و این یعنی هیچ راهی به اجماع وجود ندارد!

پی‌آمدهای حذف کنکور

مجتبی شریعتی نیا سر، معاون آموزشی وزارت علوم، اما و اگرهایی در رابطه با حذف کنکور دارد: «اگر حذف کنکور را به معنی حذف آزمونی که سازمان سنجش هر ساله برگزار می‌کند، در نظر بگیریم. در عمل با مشکلات زیادی مواجه خواهیم شد: اول این‌که اگر ملاک پذیرش سوابق تحصیلی دانش آموزان باشد؛ هر سال بیش از ۱۰۰۰ نفر دانش‌آموخته دبیرستان با معدل ۲۰ در هر گروه تحصیلی موفق به اخذ دیپلم می‌شوند.

اگر تمام این هزار نفر متقاضی رشته‌های پر طرفدار دانشگاه‌های برتر باشند، امکان پذیرش تمامی آن‌ها وجود ندارد. از طرف دیگر آموزش و پرورش به دانش آموزان فرصت داده چنان‌چه نمره و معدل‌شان در هر پایه تحصیلی پایین باشد امکان شرکت مجدد در

در ارتباط با کنکور ۹۸ فعلاً فقط می‌توان گفت در این سال کنکور خواهیم داشت. هر چند به دلیل تغییر نظام آموزشی به ۳-۶ و حذف پیش‌دانشگاهی، سوال‌ها از مقاطع سال دهم، یازدهم و دوازدهم برای کنکور طرح خواهد شد

دانشگاه‌های خاص به اعضای جامعه فشار وارد می‌کند.

علی ذوعلم معتقد است ما نیازمند یک عزم ملی هستیم و جمعی مقتدر که این موضوع را هدایت کنند: «مدافع عملکرد سنجش در آموزش و پرورش نیستیم و آن جایز اداتی وجود دارد، اما باید یک عزم ملی رخ دهد تا معضل کنکور حل شود. متأسفانه شاهدیم که کنکور و تست‌زنی به دوره دبستان رسیده. تبلیغات کنکوری هم وجود دارد و کنکور به سدی در برابر مباحث تعلیم و تربیتی در مدارس تبدیل شده است.»

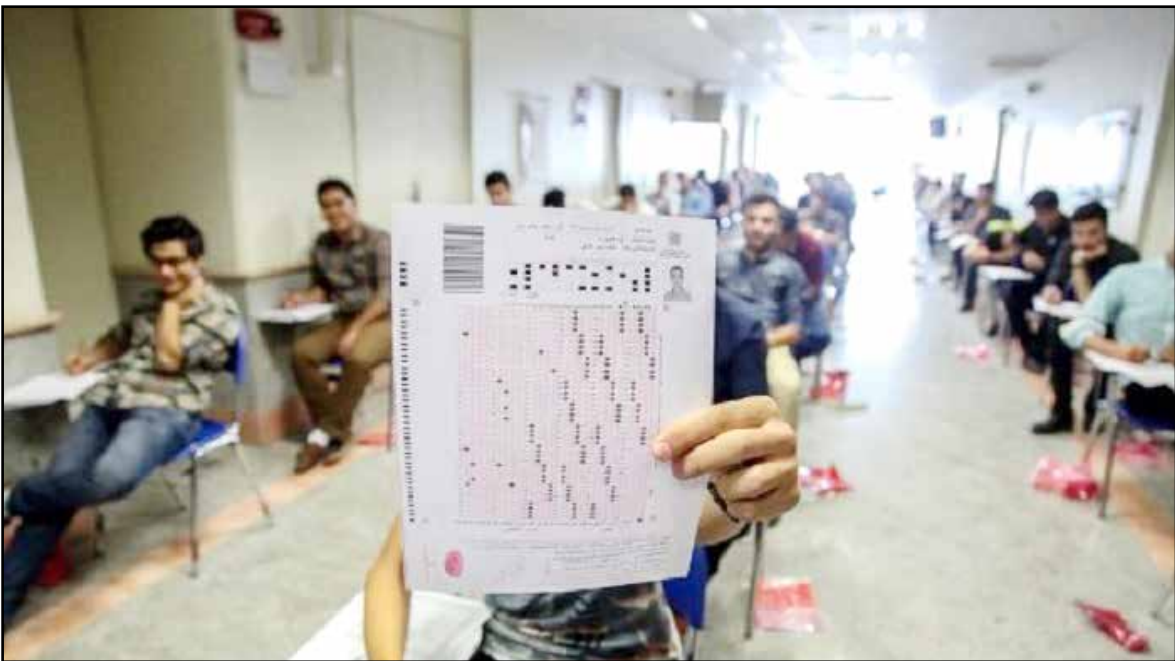
عزم ملی یعنی رفراندوم!

ذوعلم چنین ادامه می‌دهد: «می‌دانیم که کنکور الزاماً با استعدادها و باهوش‌ترین‌ها را مشخص نمی‌کند و چه بسا پس‌سپاری از دانش آموزان در عین شایستگی‌های فراوان از این غول بی‌شاخ و دم شکست می‌خورند و دلزده از درس و دانشگاه عطای کنکور

«حذف کنکور» در کش و قوس کارشناسی و اظهار نظر مسئولان

بچه‌ها رأی بدهند!

کنکور یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی جوانان ماست. و همین اهمیت کاذب است که موجب شده برخی روان‌شناسان بگویند افسردگی ۴۰ درصد از جوانان ریشه در کنکور دارد. کنکور فشارهای روانی بسیاری بر خانواده و دانش آموز وارد می‌کند و مانع بزرگی است برای شناسایی قابلیت‌های دیگری که جوانان دارند. جوانان ما تمام قوای خود را برای موفقیت در کنکور به کار می‌گیرند. دلیل افسردگی جوانان فشاری است که از سوی والدین و جامعه بر آنان وارد می‌شود برای گرفتن مدرک دی‌پلم. اما مدتی است یک سوال بزرگ برای جوانان و والدین مطرح شده است: آیا نیازی به کنکور و مدرک دانشگاهی داریم؟



آذر فخری، روزنامه‌نگار

همراه آنان، مانع‌ایز این درد مشترک را با گوشت و استخوان مان تجربه می‌کنیم. **از قانون تا واقعیت حاکم!**

مسئله حذف کنکور، داستان امروز و دیروز نیست. قانون نظام پذیرش دانشجو در سال ۸۶ به تصویب رسید و طبق آن دولت موظف شد حداکثر در سال ۹۰ کنکور را به‌طور کامل حذف و سوابق تحصیلی را جایگزین نمرات کنکور در پذیرش دانشجویان کند.

از سال ۹۲ البته حرف و حدیث‌ها درباره حذف کنکور، مناسب نبودن و البته غیر کارشناسی بودن سوابق تحصیلی هم به این ماجرا اضافه شد. برگزاری کنکور سراسری مخالفان و موافقان زیادی دارد و با وجود قانون حذف و پاسکاری موافقان، تیرماه هر سال داوطلبان در جلسه کنکور حاضر می‌شوند و گزینه‌های درست و غلط را تیک می‌زنند تا شایستگی خود را به محکمی بگذارند که از چند و چونش چندان آگاه نیستند. اما می‌دانند اگر ۱۲ سال تمام تست نزده باشند و با روش‌های تست‌زنی آشنا نشده باشند، نمی‌توانند از این سدسخت عبور کنند.

آن‌ها و والدین‌شان به خوبی می‌دانند که هر کس بیشتر تست کار کرده باشد، نکته حفظ کرده باشد، واز کلاس‌ها و کتاب‌های کمک آموزشی استفاده کرده باشد، نتیجه‌تری به‌دست خواهد آورد و ماجرای کنکور ربط چندانی به سواد و هوش ندارد و تمام مسئله فقط چند حساب سرانگشتی است؛ گردش سالانه مالی کنکور سراسری حدود ۸

اغلب ما از لحظه ورود به مدرسه، اضطراب و استرس امتحان دادن را تجربه می‌کنیم و این اضطراب و نگرانی رفته رفته چنان در جان و روان ما نهادینه می‌شود که بعدها، حتی وقتی که دیگر با درس و امتحان سرو کار نداریم، با شنیدن کلمه امتحان، همان حس و حال سراغ‌مان می‌آید و حالی کلافه‌کننده به ما می‌دهد. «نظام» آموزشی ما به گونه‌ای است که هر چه به کلاس‌های بالاتر می‌رویم، به جای کمتر شدن استرس که به معنای عادی شدن پروسه امتحان دادن است، استرس‌ها و اضطراب‌ها عمیق‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند. این ماجرا در سال‌های دبیرستان و نزدیک به کنکور، تقریباً حالت فاجعه به خود می‌گیرد؛ خیلی‌ها ناجار می‌شوند از آرام بخش‌ها استفاده کنند تا این مراحل را پشت‌سر بگذارند.

با این‌که در چند سال اخیر انواع و اقسام دانشگاه‌ها مثل قارچ‌های سمی بر پیکر علم و دانش سرزمین ما روییده و ظرفیت دانشگاه‌ها افزایش یافته است و تقریباً نباید بچه‌ها چندان استرسی احساس کنند، اما هم‌چنان با همین حس به‌سوی این آزمون بزرگ می‌روند. دانشگاه زیاد است، صندلی‌های خالی هم زیاد است، اما حالت تبه‌های تک و یادور قری برای ورود به دانشگاه‌های برتر به جان بچه‌های مان افتاده است.

یادداشت

مار را بکشید، سگ‌ها را نه!

«ژن خوب» در مورد حیوانات هم صادق است!

آسیه ویسی

ماجرای سگ کشی دارد بد جور بیخ پیدا می‌کند. عده‌ای که خود را حامی حیوانات می‌دانند از طرح جمع‌آوری، امحا و عقیم‌سازی سگ‌های ولگرد گله دارند و پلاکاردها به‌دست در خیابان‌ها راه می‌افتند و فریاد می‌زنند: «مارا بکشید! اما سگ‌ها را نه!»

اما چرا این حمایت از حیوانات، هیچ ربطی به موش‌های تهران که تمام زیرزمین تهران را به تسخیر خود درآورده‌اند، نمی‌شود و شهر داری اجازه دارد این حیوانات را به هر طریقی که شده از بین ببرد؟ چرا این حیوان دوستی

شامل ماهی‌های قرمز شب عید نمی‌شود که هر سال میلیون‌ها عدد از آن‌ها در تنگ‌های سفره عیدمان آن قدر می‌مانند تا بمیرند؟ این‌ها حیوان نیستند؟ یا ماجرای سگ، چیز دیگری است که ما از آن بی‌خبریم؟

سگ‌های زیبا و ملوس و واکسینه و طبعاً عقیم‌شده خانگی، شهر را تصرف کرده‌اند. شما قدم به قدم با دخترها و پسرها و حتی مردان و زنان میان‌سالی مواجه می‌شوید که یکی از این ملوسک‌ها را بغل گرفته یا در ماشینش به گردش می‌برد. اما اگر از همین افراد بخواهید بخشی از این همه هزینه‌ای را که به پای این سگ‌های غیربومی قاچاق شده می‌گذارند،

صرف دوا و درمان همین سگ‌های ولگرد و بی‌صاحب وطنی کنند، لب‌ورمی‌چینند و درباره نژاد این سگ‌ها اما و اگر می‌کنند.

حقیقت تلخ ماجرا این است که اغلب سگ‌های ولگردی که در اطراف و حاشیه‌های شهر به حال خود رها شده‌اند، حامل و ناقل بیماری‌های مختلفی هستند که شناخته شده‌ترین‌شان، هاری است و کافی است یکی از این‌ها به جان کودک حاشیه‌نشین بیافتد. این سگ‌های رها شده اغلب بیمار، خطری بالقوه برای طبقات غالباً فقیر زده و حاشیه‌نشین هستند و نمی‌توان این خطر را نادیده گرفت، مگر این‌که همین دوستداران حیوانات (و معلوم

نیست چرا فقط سگ‌ها!)، خود قدمی بردارند و به فکر آشیانه و سرپناه و اکس و مداوا برای این سگ‌ها باشند؛ هم‌چنان که اخیراً شهر داری یکی از شهرها، در اقدامی حیوان‌دوستانه، برای این سگ‌ها سرپناه تدارک دیده، البته با کمک افرادی که به سامان‌دهی این جانوران علاقه‌مندند.

کاش اینان که حاضرند به جای سگ‌های ولگردوبی صاحب‌بمیرند دیداند که این حیوانات اغلب به بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان مبتلا ی‌ند و در صورت عدم کنترل، جان هزاران نفر را تهدید می‌کنند. این سگ‌ها معمولاً از زباله‌ها تغذیه می‌کنند، زاد و ولد بسیاری دارند و اگر مبتلا به هاری باشند و کسی را گاز بگیرند، باعث مرگ او می‌شوند. ضمن این‌که سگ‌های ولگرد معمولاً مبتلا به بیماری‌هایی چون کالازار توکسوکاریازیس

و کیست هیداتید هستند. کیست هیداتید، بیماری وخیمی است که توسط سگ به انسان منتقل می‌شود. علایم این بیماری از درد ساده در محوطه راست شکمی گرفته تا تنگی نفس، سرفه‌های خشک، عفونت‌های ثانویه به دنبال پاره شدن کیست در اعضای داخلی و شوک آنافیلاکسی متغیر است و گاهی تعداد این کیست‌ها به حدی در کبد افزایش می‌یابند که موجب از کار افتادن کبد و در صورت درمان نشدن منجر به مرگ می‌شوند.

آنانی که ترجیح می‌دهند به جای سگ‌ها کشته شوند، لطفاً از آن جایی که ایستاده‌اند، یک قدم جلوتر بایند و به کودکانی فکر کنند که بارها و بارها در اثر تماس با این سگ‌های آلوده که تعدادشان رو به افزایش است، جان خود را از دست داده‌اند و بگویند در نهایت چه کار باید کرد؟